

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه علامه طباطبایی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق بشر

عنوان:

**بررسی حقوق اقلیت های قومی در نظام بین المللی حقوق بشر و
چگونگی اعمال آن در قوانین موضوعه ایران**

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمدحسین زارعی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سیدقاسم زمانی

دانشجو:

عذرا دانای طوس

زمستان ۹۰

تقدیم به آنان که:

ناتوان شدند تا من به توانایی برسم...

موهایشان سپید شد تا من رو سفید شوم...

پدرم و مادرم

و آنان که بهترین برایم خواستند و بهترین برایم هستند

خواهر و برادرانم

و آنان که تمامی وجودم به وجودشان گره خورده است

اکرم و زینب عزیزم

تقدیر و تشکر

بر خود لازم می دانم از زحمات همه کسانی که در نگارش این رساله یاری ام کرده اند تشکر کنم:
استاد راهنمای عزیزم، جناب آقای محمدحسین زارعی که با همه دغدغه ها و زمان اندکشان با گشاده
روئی پاسخ گوی پرسش های فراوانم بودند و با مهربانی و لطف بسیار من را در انجام این پژوهش
یاری دادند.

استاد مشاورمهربانم، جناب آقای دکتر سیدقاسم زمانی که با سعه صدر به پرسش های مکرر من پاسخ
گفتند.

خانواده ی عزیزم که در تمام مدت تحصیل من را یاری داده اند.

دوستان نازنینم شهره طیبیان، فاطمه و کیلی، مهرین جلیلی که حامی و تکیه گاه من در این دوره از
تحصیل بوده اند.

فهرست اجمالی مطالب

بخش اول: تعریف مفاهیم تحقیق

فصل اول: مفهوم حق و اقلیت‌ها و تاریخچه

فصل دوم: اقلیت قومی

فصل سوم: برابر و عدم تبعیض اقلیت‌ها

بخش دوم: حقوق فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اقلیت‌های قومی

فصل: اول حقوق فرهنگی

فصل دوم: حقوق سیاسی

فصل سوم: حقوق اجتماعی و اقتصادی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۴	بخش اول: تعریف مفاهیم تحقیق
۵	فصل اول: مفهوم محقو اقلیت ها و تاریخچه
۵	گفتار اول: تعریف حقوق نسل های حقوق بشر
۵	بند اول: مفهوم محق
۹	بند دوم: نسل های حقوق بشر
۹	1: نسل اول حقوق بشر
۱۰	2: نسل دوم حقوق بشر
۱۱	۳: نسل سوم حقوق بشر
۱۳	گفتار دوم: مفهوم انواع اقلیت ها
۱۳	بند اول: مفهوم اقلیت
۱۵	بند دوم: انواع اقلیت
۱۵	۱: اقلیت های مذهبی
۱۶	۲: اقلیت های زبانی
۱۹	۳: اقلیت های ملی
۲۱	۴: اقلیت های قومی
۲۲	گفتار سوم: تاریخچه اقلیت ها
۲۳	بند اول: دوران نخستین

- ۲۵..... بنددوم: جامعهملل
- ۲۹..... بندسوم: مللمتحد
- ۳۱..... فصلدوم: اقلیت هایقومی
- ۳۱..... گفتاراول: مفهومقوم
- ۳۳..... گفتاردوم: مفهومقومیت
- ۳۴..... گفتارسوم: هویتقومی
- ۳۵..... گفتارچهارم: قومیتدرایران:
- ۳۸..... فصلسوم: برابر یوعدمبعیضاقلیتها
- ۳۹..... گفتاراول: مفهومبرابری
- ۴۰..... گفتاردوم: مفهومتبعیض
- ۴۱..... گفتارسوم: مفهومتبعیضمثبتوسیرتاریخیآن
- ۴۲..... بنداول: مفهومتبعیضمثبت
- ۴۴..... بنددوم: سیرتکاملیتبعیضمثبت
- ۴۶..... بندسوم: حرکتدراستایتبعیضمثبت
- ۵۰..... بخشدوم: حقوقفرهنگی، سیاسی، اجتماعیواقصداقلیتهایقومی
- ۵۳..... فصلاول: حقوقفرهنگی
- ۵۵..... گفتاراول: حقوقزبانی
- ۵۷..... بنداول: حقآموزشبهزبانمادری
- ۶۲..... بنددوم: حقداشترسانهها(راديو، تلویزیون، مطبوعات) بهزبانمادری
- ۶۳..... بندسوم: حقاستفادهاز زبانمادریدر عرصهونهادهایاداری

گفتار دوم: شیوه‌ی زندگی	۶۶
بند اول: حق‌استفاده‌ها از نام‌های مناسب‌کودکان بر اساس فرهنگ‌آقلیت	۶۶
بند دوم: تلاش‌دولت‌در حفظ‌توسعه‌میراث‌فرهنگی‌گروه‌های‌آقلیت	۶۹
فصل دوم: حقوق‌سیاسی	۷۱
گفتار اول: حقیقت‌سنس‌نوشت	۷۲
بند اول: حق‌شکر‌کنندگان‌انتخابات:	۷۸
بند دوم: حق‌فعالیت‌حزبی	۸۱
گفتار دوم: حق‌دستیابی‌به‌مشاوره‌سیاسی	۸۲
فصل سوم: حقوق‌اقتصادی‌و‌اجتماعی	۸۳
گفتار اول: حق‌بر‌خورده‌ریاز‌توسعه	۸۴
گفتار دوم: حق‌بر‌کار	۹۲
گفتار سوم: حق‌بر‌خورده‌ریاز‌تامین‌اجتماعی	۱۰۳
بند اول: مفهوم‌تامین‌اجتماعی	۱۰۴
بند دوم: ارکان‌حق‌بر‌تامین‌اجتماعی	۱۰۵
گفتار چهارم: حقیقت‌کیلسندیکا	۱۱۲
نتیجه‌گیری	۱۱۶
منابع	۱۱۹

مقدمه

اگر در نقشه‌ی سیاسی جهان دقت کنیم، درمی‌یابیم به استثنای چند کشور از جمله فرانسه، ایتالیا، ژاپن که دارای جمعیت همگون هستند، در بقیه کشورها، گروه‌های نژادی، مذهبی، زبانی و قومی وجود دارد که همگی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. به عبارت دیگر وجود اقلیت‌های نژادی، زبانی، مذهبی یا قومی در دنیای امروز واقعیتی انکارناپذیر است. وجود اقلیت مقدونی در کشورهای یونان و بلغارستان و اقلیت کرد در کشورهای عراق، ترکیه و ایران واقعیتی است که نمی‌توان انکار کرد.

یکی از شاخص‌های مهم ساختارهای دولت‌های جهان بافت چند قومی یا وجود اقلیت‌های قومی می‌باشد، این امر باعث شده است ما هر از چند گاهی شاهد خبرهای مربوط به تنش‌ها و خشونت‌های قومی در اقصی نقاط عالم برای دستیابی به حقوقشان باشیم. بررسی‌هایی که در مورد ناسیونالیسم قومی و ساختار جمعیتی جهان و کشورها صورت گرفته نشان می‌دهد که تنها در ۱۴ کشور جهان، بافت چند قومی حاکم نیست یا اقلیت قومی قابل توجهی وجود ندارد و در این میان فقط ۴ درصد جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که تنها دارای یک گروه قومی هستند. بنابراین می‌توان گفت اصل حاکم بر جهان و جوامع ناهمگونی قومی و نژادی و مذهبی است که به درجات گوناگون در همه‌ی کشورها و جوامع وجود دارد و همگونی قومی یک استثنا است. ایران نیز کشوری است که از اقوام مختلفی از جمله کردها، بلوچ‌ها، ترک‌ها، ترکمن‌ها و... تشکیل شده است. مسئله رعایت حقوق و برآورده کردن مطالبات افراد مذکور از جمله حقوق فرهنگی و اقتصادی آن‌ها همواره از دغدغه‌های اقلیت‌های قومی در ایران بوده است.

از آنجاییکه حقوق اقلیت‌های قومی جزء لاینفک حقوق بشر محسوب می‌شود، نقض حقوق اقلیت‌ها سبب نقض حقوق بشر می‌گردد. گروه‌هایی که بخاطر مشخصه‌های خاص از جمله نژاد، قومیت، زبان، مذهب و... متمایز از سایر افراد شناخته می‌شوند، و به عنوان اشخاصی که در اقلیت هستند حقوق‌شان همواره توسط حاکمیت نقض می‌گردد. لزوم حمایت جدی از حقوق اقلیت‌ها (گروه‌های تعیین کننده) بخاطر نقض گسترده‌ی حقوق‌شان توسط دولت‌ها باعث گردید که سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای تخصصی اقدام به تصویب معاهدات و تعیین

سازوکارهایی جهت حمایت از این گروه‌ها نمایند و گام‌هایی در راستای محقق کردن حقوقشان بردارند، در این پایان نامه سعی می‌گردد به بررسی سازوکارهایی که جهت حمایت از حقوق اقلیت‌های قومی در نظام بین‌المللی حقوق بشر پرداخته‌اند با توجه به این که ایران نیز به عضویت میثاق حقوق مدنی و سیاسی پیوسته است چه تعهداتی نسبت به ماده ۲۷ این میثاق اتخاذ کرده است.

سؤالات تحقیق:

سؤالات اصلی

۱. حقوق اقلیت‌های قومی در چه ابعادی در نظام بین‌المللی حقوق بشر تضمین شده است؟
۲. آیا حقوق اقلیت‌های قومی به میزانی که در نظام بین‌المللی حقوق بشر پیش‌بینی شده، در ایران شناسایی شده است؟

سؤالات فرعی

۱. آیا محدودیت‌ها و نارسایی‌هایی در اسناد بین‌المللی در حمایت از حقوق اقلیت‌های قومی وجود دارد؟
۲. محدودیت‌ها و نارسایی‌های حقوق موضوعه ایران در حمایت از اقلیت‌های قومی چیستند؟

فرضیه‌ها:

۱. حمایت از حقوق اقلیت‌های قومی در اسناد حقوق بشری شناسایی شده است.

۲. حمایت از حقوق اقلیت های قومی به طور محدودی در ایران شناسایی شده است.

اهداف و ضرورت تحقیق

با توجه نواقص و کاستی ها و محدودیت هایی که در راستای حمایت از حقوق اقلیت های قومی در اسناد حقوق بشری و متقابلا در قوانین ایران وجود دارد، به شناسایی و بررسی تضمین هایی که برای محقق کردن حقوق اقلیت های قومی در نظر گرفته شده، پرداخته می شود.

روش تحقیق و موانع آن

روش به کار گرفته شده در این تحقیق توصیفی، تحلیلی و تطبیقی می باشد و روش گردآوری مطالب به صورت کتابخانه ای صورت گرفته است.

محدودیت دسترسی به منابع لاتین، نبود منابع فارسی، کمبود زمان در وقت تعیین شده از جمله موانع تحقیق صورت گرفته می باشد.

سازماندهی تحقیق

تحقیق مورد نظر از دو بخش تشکیل شده است در بخش اول تلاش می گردد به بررسی مفاهیم بنیادین تحقیق که شامل مفهوم حق، تبعیض، اقلیت و به طور کلی اقلیت قومی پرداخته و در بخش دوم حقوق فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی اقلیت های قومی در اسناد بین المللی حقوق بشر و قوانین داخلی مورد بررسی قرار می گیرد.

پیشینه تحقیق

در زمینه حقوق اقلیت های قومی در سطح شورای اروپا پایان نامه هایی وجود دارد اما هیچ گونه پایان نامه ای در ارتباط با حقوق اقلیت های قومی در نظام بین المللی و متقابلا در ایران وجود ندارد و به این موضوع پرداخته نشده است

بخش اول: تعریف مفاهیم تحقیق

فصل اول: مفهوم حق و اقلیت‌ها و تاریخچه

فصل اول این پژوهش از سه گفتار تشکیل شده است، در گفتار اول به تعریف حق و نسل‌های آن به طور اجمالی، در گفتار دوم به بررسی مفهوم اقلیت و انواع آن و نهایتاً در گفتار سوم به تاریخچه حقوق اقلیت‌ها می‌پردازیم.

گفتار اول: تعریف حق و نسل‌های حقوق بشر

بند اول: مفهوم حق

حق مفهوم محوری علم حقوق است. این مفهوم نه تنها در علم حقوق بلکه در سایر رشته‌های علوم انسانی نیز از اهمیت برخوردار است. جایگاه حق در جامعه تعیین‌کننده امتیازات، تکالیف و صلاحیت‌هاست. هر گونه ابهام در جایگاه حق چینش نامتناسب آن، انتظارات متقابل اجتماعی نابجا اعم از واقعی یا غیر واقعی، سردرگمی اجتماعی، احساس سردرگمی اجتماعی، احساس بی‌عدالتی نفاق اجتماعی را به همراه می‌آورد. متأسفانه تحلیل این مفهوم چندان که در خور آن باشد مورد توجه علمای حقوق قرار نگرفته است. انتزاعی بودن و ابهام معنای حق، هر گونه پژوهش در باب این مفهوم را دشوار می‌سازد.^۱

از حیث تاریخی در دوران کلاسیک به طور جدی اهمیتی به مفهوم حق داده نشده، مفهوم حق که احتمالاً اول بار توسط «ویلیام اهل او کام» در قرن چهاردهم میلادی به طور روشن تعریف شد تا انتهای سده شانزدهم از وضوح و شفافیت کاملی برخوردار گردید و یکی از اصطلاحات محوری گفتمان اخلاقی و سیاسی شد. طی سده‌های هفدهم و هجدهم «حق» به شعاری انقلابی تبدیل شد و امروزه قدرت شعاری و سیاسی این مفهوم، عامل مهمی در هر دو صحنه داخلی و بین‌المللی می‌باشد. در هر حال این امر را نمی‌توان انکار نمود که مفهوم حق در سیر تاریخی‌اش ابتدا به معنای «حقوق انتخابی»، حقوق مربوط به حوزه‌های آزادی شخصی و حاکمیت به کار رفته است و این

^۱. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: کارل و لمن، مفهوم حق، سهم هوفلد، مترجم: محمد راسخ، مقالاتی در فلسفه‌ی حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، طرح نو، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۱۶-۲۲۰.

کاربرد نسبت به «حقوق رفاهی» از تقدم تاریخی برخوردار است.^۱ از حق تعاریف فراوانی شده است که ما در اینجا به ذکر چند مورد می پردازیم:

الف) «حق»^۲ امریست اعتباری که بر حسب آن شخص یا گروه خاصی، قدرت قانونی پیدا می کند که نوعی تصرف خارجی یا اعتباری در شیء یا شخص دیگر انجام، و لازمه‌ی آن، امتیاز برای ذیحق بر دیگران می باشد.^۳ ب) برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم اجتماع، حقوق برای هر کسی امتیازهای را در برابر دیگران به رسمیت می شناسد و توان خاصی به او می بخشد، این امتیاز و توانایی را حق می نامند. مثل حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی شغل^۴ و ... ج) حق امری است اعتباری، که برای کسی (له) و بر دیگری (علیه) وضع می شود.^۵ د) حق، امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت، از آن حمایت می کند و به ایشان تصرف در موضوع حق وضع دیگران از تجاوز به آن را می دهد. پرفسور هارت سه عنصر اصلی را در مفهوم حق مشخص ساخته است. او می گوید مفهوم حق متعلق آن هر چه که باشد خبر از سه چیز می دهد: الف) وجود یک نظام حقوقی ب) وجود ضمانت اجرایی ج) وجود اختیار برای صاحب حق که اگر بخواهد از آن ضمانت اجرای استفاده کند و در مقام تعهد باشد.^۶ تعاریف دیگری نیز توسط حقوقدانان تعریف شده است که به جهت اختصار از ذکر آن خودداری می کنیم. کلمه ی حقوق بر سه معنی مختلف اطلاق می شود:

^۱ مارتین پی گلدینگ، درآمدی بر مفهوم حق ترجمه ی دکتر محمد راسخ، تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۰ (بهار و تابستان ۱۳۷۸)، ص ۱۹۸-۱۹۶.
^۲ در زبان انگلیسی right دو مفهوم و مضمون اصلی سیاسی و اخلاقی دارد؛ الف) «حق» ممکن است دلالت بر کاری درست و به جا یا انجام کار درستی داشته باشد؛ از این رو وقتی می گوئیم که کمک کردن به نیازمندان حق است؛ یا دروغ، کلاهبرداری و سرقت ناحق است و در و در گفتار ما حق به معنی درست است. ب) right «حق» به معنایی نوعی امتیاز می باشد. آنچه در این نوشتار موع بحث ماست. بنابر این حق در معنای دوم است. در این باره نگاه کنید دانلی - جک «نظریه های حقوق بشر»، حقوق بشر، نظریه ها و رویه ها، ترجمه ی شریفی طراز کوهی، حسین، تهران، دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ (ص ۷۴). همچنین نگاه کنید به مارتین، پی، گلدینگ، مفهوم حق، درآمد تاریخی ترجمه راسخ، محمد تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۰ (بهار و تابستان ۱۳۷۸) پیش گفتار مترجم صص ۲۶۴-۲۶۶.
^۳ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در آمدی بر حقوق اسلامی، (قم، دفتر انتشارات اسلامی؛ ۱۳۶۴) ج ۱، ص ۴۴.
^۴ کاتوزیان - ناصر، مقدمه ی علم حقوق، (تهران، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۱) صص ۱-۲.
^۵ مصباح یزدی، محمد تقی، حقوق و سیاست در قرآن، نگارش، شهرابی، محمد؛ (قم، موسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷) ص ۲۶.
^۶ شریعتی، نرگس، صلاحیت دولت در محدود سازی حقوق مدنی و سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق یشر دانشگاه تهران ۱۳۸۶.

الف) « حقوق به معنای مجموعه مقررات حاکم بر روابط اجتماعی است،^۱ یعنی مجموعه‌ی بایدها و نبایدهایی که اعضای یک جامعه ملزم به رعایت آنها هستند و دولت ضمانت اجرای آن را بر عهده دارد. واژه‌ی حقوق در این معنا اگر چه مفید معنای جمع است و بر مجموعه‌ی از مقررات دلالت می‌کند، ولی به عنوان یک کلمه‌ی جمع که دارای معنای مفرد باشد، مورد توجه نیست، بلکه نظیر کلماتی همچون گروه و قبیله اسم جمع به کار می‌رود و می‌توان گفت که حقوق به این معنا، نظیر واژه‌ی شرع یا شریعت در اصطلاح فقهای اسلام است، حقوق در این معنا گاهی مرادف با «قانون» دانسته می‌شود. در این مورد به‌عنوان نمونه می‌توان از «حقوق ایران»^۲، «حقوق مدنی»^۳، «حقوق بین‌الملل»^۴ نام برد.

ب) « حقوق به معنای جمع حق است»، برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هر کس امتیازهایی را در برابر دیگران می‌شناسد، این امتیاز و توانایی را «حق» می‌نامند که جمع آن حقوق است، مانند حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی شغل و حق زوجیت که با عنوان حقوق بشر^۵ مورد حمایت قرار می‌گیرد.

ج) « حقوق به معنای علم حقوق»، یعنی دانشی که به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول آن می‌پردازد، دانشکده‌ی حقوق و شعبه‌های گوناگون حقوق مانند «حقوق مدنی»، «حقوق کیفری» و... از شایع‌ترین موارد استفاده از این معنا می‌باشد. اما برای تبیین مفهوم حق نکته‌ی که ضروری به نظر می‌رسد این است در تحلیل مفهوم حقتفکیک بین تعریف لغوی حق دو مفهوم بودن و حق داشتن ضروری به نظر می‌رسد. در مفهوم اول (حق بودن) گرچه در حوزه مباحث حقوقی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، اما باید توجه داشت که حق به معنای دوم آن است که موضوع گزاره‌های حقوق بشری در حقوق بشر معاصر است.^۶ بی‌تردید «حق» یکی از مهم‌ترین اجزای مقوم «اخلاق» «حقوق» و «سیاست» در دنیای مدرن است. یکی از مهم‌ترین نکات در تاریخ پیدایش مفهوم و پدیده‌ی حق، مربوط به تفکیکی می‌شود که میان دو مفهوم «حق

^۱. نگاه کنید: خسرو شاهی، قدرت الله و دانش پژوه مصطفی، فلسفه‌ی حقوق، (قم، موسسه‌ی آموزشی / پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹) ص ۱۶.

^۲. The Law of Iran

^۳. Civil law

^۴. International law

^۵. Human Right

^۶. قاری سید فاطمی، محمد، حقوق بشر در جهان معاصر جلد اول، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی تهران ۱۳۸۲، ص ۱۸.

بودن» و «حق داشتن» پدیدار شده است. حق به معنای اول (حق بودن) که در مقابل «باطل و غلط» قرار می‌گیرد، همواره در عرصه‌های فکری به ویژه افکار سیاسی و اخلاقی حضور داشته است.

در چنین معنایی مفهوم حق به معنای راست و صادق بکار گرفته می‌شود و بنابراین هنگامی که گفته می‌شود امری حق است به آن معناست که آن امر راست و صادق (صحیح) است یا غلط و باطل نیست. در واقع حق در چنین معنایی در حوزه مربوط به ارزش (خوبها و بدها) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و حق بودن در معنای ارزشی آن به معنای «خوب بودن» است.^۱ اما حق به معنای دوم (حق داشتن) که می‌تواند در مقابل «تکلیف» قرار گیرد، محصول فکری جدیدی است که در پی تلاش‌های نظری و عملی آزادیخواهانه و برابری خواهانه‌ی انسان در دوران مدرن تولد یافته است. چنین تفکیکی در مفهوم حق، مسأله را در پیوندی عمیق با تفکیک بین مفهوم «ارزش یا خوب» و «حق هنجاری» قرار می‌دهد. بنابراین در معنای اول هنگامی که گفته می‌شود عملی «حق» است یعنی از منظر اخلاقی و بر اساس اصول محتوایی یک نظام اخلاقی خاص، مورد تأیید و قبول می‌باشد. برای نمونه اگر فردی در مقابل این سؤال که آیا به یک فقیر کمک بکند یا نکند، تصمیم بگیرد که کمک کند و مطابق با آن تصمیم عمل نماید، عملی «خوب» و «اخلاقی» و «حق» انجام داده است. اما مفهوم «حق» در ترکیب «حق داشتن» با این معنا متفاوت است. در این معنای دوم «حق داشتن» ضرورتاً به معنای انجام عملی «خوب» و «اخلاقی» نیست. برای نمونه در همین مثال پیش گفته، اگر به کسی بگوییم حق کمک کردن داری به این معنا خواهد بود که تصمیم تو بر «کمک» هر کدام که باشد به صرف «تصمیم تو بودن» از حمایت و تضمین برخوردار خواهد بود و تحت حمایت قضایی و سیاسی قرار می‌گیرد.^۲

بنابراین وقتی شهروندان «حق آزادی بیان» دارند در اجرای آن حق (مادامی که به حقوق دیگران تجاوز نکنند) ممکن است مطالبی را بیان نمایند که از دیدگاه اخلاقی ویژه‌ای، مصداق یک «بیان بد یا خطا» باشد، به همان اندازه که ممکن است مطالبی را بیان نمایند که از دیدگاه اخلاقی خاصی، مصداق یک «بیان خوب یا درست» باشد. اما در هر دو صورت از حمایت‌های قضایی و سیاسی برخوردارند. بر چنین مبنایی فیلسوفان حق از «حق بر خطا بودن» سخن به میان می‌آورند (حق و نه تکلیف خطا کردن).^۳

^۱ راسخ، محمد، حق و مصلحت؛ مقالاتی در فلسفه‌ی حقوق، فلسفه حق و فلسفه‌ی ارزش - تهران: طرح نو چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۸۶-۱۸۴.

^۲ راسخ، محمد، حق و مصلحت، همان، ص ۱۸۷-۱۸۶.

^۳ همان، برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: حقوق بشر در جهان معاصر، جلد اول، قاری سید فاطمی، محمد؛ موسسه مطالعات پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۲، ص ۱۸.

آنچه امروزه به عنوان تئوری حق و حقوق بنیادین انسانها مشهور است و در نظام بین المللی حقوق بشر و اسناد مربوط به حقوق بشر از آنها سخن به میان آورده می شود تحت معنای دوم (یعنی حق داشتن) می چرخد و وجه ممیزه نظام حقوقی و اساسی مدرن تأمین حق همه شهروندان، به ویژه آنانی که در اقلیت هستند، می باشد. نتیجتاً این که تمام انسانها و گروهها حق برخورداری از حقوقی که برای آنها در نظر گرفته شده است برخوردار خواهند بود.

بند دوم: نسل های حقوق بشر

کارال واساک محقق معروف حقوق بشر که سالها ریاست انستیتو بین المللی حقوق بشر در استراسبورگ را نیز بر عهده داشت، در طرح پیشنهادی خود که در مجله یونسکو در نوامبر سال ۱۹۷۷ به چاپ رسید برای نخستین بار از فرمولی به نام نسل های^۱ حقوق بشر استفاده نمود و این نسل ها را بر پایه ی تطور حقوق بشر در سه مرحله ی تاریخی جای داد. بر اساس نظریه وی، نسل های او عبارتند از: حقوق مدنی و سیاسی نسل اول و حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی نسل دوم را تشکیل می دهند و نسل سوم، حقوقی هستند که از آن ها تحت عنوان حقوق همبستگی یاد می شود.^۲

1: نسل اول حقوق بشر

این نسل که امروز از آن تحت عنوان نسل اول حقوق بشر یاد می شود حقوق مدنی، سیاسی است، که شامل آن دسته از حقوق و آزادی های فردی است که دولت ها باید به آن احترام بگذارند.^۳ به طور عمده این حقوق به دنبال حمایت از اصل اختیار و استقلال شهروندان است.^۴ این نسل از حقوق بشر ریشه در سال های پایانی قرن ۱۸ و تحولات قرن ۱۹ دارد. لذا اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه را می توان نخستین متنی دانست که مفاهیم حقوق

^۱. generation

^۲. نقییمنفر، حسام، حکمرانی مطلوب در پرتو جهان الشمولی حقوق بشر، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی، تهران، ۱۳۸۹، ص ۶۳.

^۳. پارسا، علیرضا، محیط زیست و حقوق بشر: بررسی برخورداری از محیط زیست سالم و شایسته بعنوان حق بشری، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال سیزدهم، شماره ۱۳۶۰-۱۳۵ (آذر و دی ۱۳۷۷) ص ۱۳۱.

^۴. راسخ، محمد، حق و مصلحت، پیشین، ص ۱۶.

بشر و آزادی‌ها را به صورت مدون ذکر کرده است. این از جمله اسنادی به شمار می‌رود که با پشتوانه‌های فکری و عملی آزادی‌خواهی و مقاومت ساختار نوین سیاسی مبتنی بر اصالت فرد انسانی و قرارداد اجتماعی را بنیان گذاری کرده است. ترویج این اندیشه آن‌چنان تحول فکری را در مغرب زمین به وجود آورده که بر اساس اقتدارات و یکه‌تازی‌های فردی حکام مشروعیت خود را از دست داد. و با شکل‌گیری تفکر جمعی و جامعه مدنی گرایش به دموکراسی ملکه اذهان شد. به این ترتیب، با توجه به محتوای مطالبات مدنی و سیاسی مذکور پدیداری آغازین نسل اول حقوق بشر از نظر موضوعی عنوان حقوق مدنی و سیاسی به خود می‌گیرد.^۱ حق‌هایی از قبیل آزادی‌های مذهبی، آزادی بیان، مصونیت از بازداشت خودسرانه و بدون دلیل، حق رای، آزادی تردد و انتخاب محل اقامت به این نسل از حقوق بشر تعلق دارد. برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی مستلزم عدم دخالت قدرت عمومی در برخورداری از این حقوق و آزادی‌ها از یک سو و تکلیف دولت در پاسداری از آنها در برخورد با متجاوزان است.^۲

2: نسل دوم حقوق بشر

حقوق بشر منحصر به حقوق مدنی و سیاسی نیست، تحول و توسعه در مفهوم حقوق بشر، همچون دیگر مفاهیم باعث شده است. که مقولات جدیدی تحت نسل دوم به این حوزه راه یابد، حقوق نسل دوم، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند که به حقوق برابری نیز مشهورند. نسل اول حقوق بشر میراث ارزشمندی است که با شعار آزادی و برابری و برادری و با گذر از تاریخ تاریک استبداد، بازیافت منزلت انسانی را به همراه داشت، اما تجربه نشان داد که این حقوق هرچند که لزوم آن‌ها احساس می‌شود، کافی به نظر نمی‌رسد زیرا اختلاف طبقات سنتی و پدیده سرمایه داری ناشی از انقلاب صنعتی، برابری را در میان اقتصاد حاکم، ناممکن و در نتیجه آزادی و برابری را مخدوش ساخته است. بازتاب فکری این بحران اجتماعی پدیداری اندیشه سوسیالیستی بود که با نقد سرمایه داری حاکم بر اقتصاد و بیان اینکه نظام سرمایه داری در عین حال فردگرا و آزادگرا است، بدین معنی که

^۱.هاشمی، سید محمد، **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**، نشر میزان، ۱۳۸۲ ص ۱۶۴.

^۲.هاشمی، سید محمد، پیشین، صص ۱۶۷-۱۶۶.

در فرد گرایی، کارخانه متعلق به یک نفر است و بدین وسیله بهره کشی می کند و در آزادگرایی، تنها قانون رقابت و بی قیدی و آزادی عمل بدون دخالت دولت حاکم است. قواعد طبقه بندی شده در این نسل از جمله حقوقی هستند که از نظر قانون گذاری و کد گذاری همزمان با نسل اول پدید آمدند، اما شناسایی آن ها به لحاظ فلسفی و نظری پس از حقوق مدنی و سیاسی است و از آن هنگام دارای دارای وجهه و جایگاه حقوقی در نظام بین الملل حقوق بشر شدند. که علت و سبب آن نیز وقوع اوضاع و احوال اقتصادی اجتماعی متفاوت با گذشته بود.^۱

حق هایی از قبیل بهره مندی از آموزش پرورش، حق بهره مندی از مسکن متناسب، مراقبت های بهداشتی، حق بر کار، حق بهره مندی از حداقل امکانات معیشتی، مثال های این نسل از حقوق بشر هستند. برخلاف حقوق نسل اول، برخورداری از حقوق نسل دوم مستلزم دخالت جدی دست اندرکاران خدمات عمومی، همراه با کمک مالی، حقوقی، سازمانیو اجرایی دولت است (تعهد ایجابی). حق برخورداری از سلامتی، آموزش و پرورش، کار، تامین اجتماعی و غیره از جمله حقوقی هستند که دولت به طور قطع و یقین باید در خصوص آن سرمایه گذاری کند. بنابراین دخالت فعال دولت، به منظور تامین رفاه اقتصادی و آسایش اجتماعی همه افراد، ضرورت اجتناب ناپذیر خواهد داشت.^۲

۳: نسل سوم حقوق بشر

وقتی که مفهوم نسل سوم حقوق بشر یا حقوق همبستگی وارد تجزیه و تحلیل های علمی راجع به حقوق بشر شد، مباحث راجع به تحول و توسعه مفهوم حقوق بشر وارد قلمرو جدیدی گردید. به طوری که امروزه منافع کل بشری به هسته تفکر سیاسی و حقوقی جدید، تبدیل شده است. این منافع کلی بشری شامل مسائلی همچون خطر جنگ هسته ای، حوادث زیست محیطی، بحران توسعه نیافتگی، فقر و گرسنگی می باشد و چون حل و فصل آن از عهده

^۱. نقیبی منفرد، حسام، حکمرانی مطلوب در پرتو جهان الشمولی حقوق بشر، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹ ص ۶۶.

^۲. نقیبی منفرد، حسام، همان ص ۶۷.

چند کشور بر نمی‌آید، کل جامعه بین‌المللی باید در حل آن سهیم باشند.^۱ حق بر صلح، حق بر توسعه، حق بر محیط زیست، حق بر میراث مشترک بشریت مثال‌های از حقوق نسل سوم هستند. اگر ویژگی نسل اول حقوق بشر، اقامه پذیر بودن آن نسبت به دولت است و ویژگی نسل دوم قابل مطالبه بودن از دولت است، خصوصیت حقوق همبستگی این است که این حقوق در عین حال هم قابل اقامه و هم قابل مطالبه می‌باشند. از دیگر ویژگی‌های این نسل این است که مبتنی بر رهیافت‌های اخلاقی هستند و پاسخگوی نیازهای بشری، نه مزایایی که در خود این ارزش‌ها پیدا می‌شوند. همین‌طور اگر چه در خود حقوق بشر کلاسیک یا سنتی توجه به منفعت فردی است که قابل شناسایی نیز باشد اما خصلت حقوق همبستگی در مصلحت‌جمعی است و چه بسا به وصف جمعی و پیچیدگی این حقوق، شناسایی آنها تعمق بیشتری را طلب نماید.^۲ توجه همه‌ی حق‌های یاد شده در سه نسل حقوق بشر مانند حق بر صلح، حق بر توسعه دشوار بتوان از آنها تحت عنوان حق یاد کرد. در این میان حق‌های نسل اول از قبیل منع شکنجه، منع برده‌داری و برخی از حق‌های نسل دوم از جمله حق تأمین اجتماعی به عنوان ادعاهای موجه و قابل دفاع، تحت عنوان، حق شناخته شده‌اند. البته این امر به این معنا نیست که از ادعاهای مربوط به نسل سوم حقوق بشر و بخشی از ادعاهای مندرج در نسل دوم که تحت عنوان حق قابل دفاع نیستند نتوان تحت هیچ عنوان ارزشی دفاع کرد. بدین ترتیب در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی درج شده است در قالب حق قرار نمی‌گیرند، حق ادعاهای فردی برای حفظ کرامت انسانی است،^۳ بنابراین با توجه به توضیحات ارائه شده باید به این نکته توجه کرد که همه‌ی انسان‌ها برابر هستند و آن‌هم بخاطر حفظ کرامت ذاتی بشر و برابری همه افراد صرف‌نظر از هر گونه تمایز از حیث دین، نژاد، ملیت، رنگ و غیره می‌باشند. از این رو انسان‌ها باید از برابری برخوردار باشند و هرگونه ادعایی بر خلاف آن موجب تبعیض ناموجه میان افراد خواهد شد.

^۱ توحیدی، احمد رضا، **حق صلح و حق محیط زیست در پرتو حقوق همبستگی و حقوق بین‌الملل**، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها، قم دانشگاه مفید ۱۳۸۰، ص ۵۵.

^۲ عسگری، پوریا، وکیل، امیر ساعد، **نسل سوم و حقوق بشر (حقوق همبستگی)**، نشر مجد ۱۳۸۳ صص ۸۴-۸۳.

^۳ رحمانی زهره، **برابری حق**، رساله‌ی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۱.